

راهکارهای قانونی و شرایط بهره مندی از بیمه طلاق

نقیسه فرید عصر

چکیده

زمانی ضرورت پیش بینی بیمه ی طلاق قابل درک خواهد بود که لزوم و اهمیت حمایت از زنان مطلقه به خوبی تبیین گردد به همین منظور دلایلی را که موجب تنویر این مهم است، در مطالب زیر بیان خواهد شد. مطالعه ی آمارهای وقوع طلاق و عوامل شکل دهنده ی وضعیت نامطلوب اقتصادی کشور، به صراحت پرده از این واقعیت برمی دارد که در حال حاضر هر دو مورد، از وضعیت ناپسندی برخوردار است، که به طریق اولی بیش از دیگران دامن گیر زنان مطلقه می باشد. متأسفانه برخلاف تعالیم و آموزه های دینی که تأکید بر حفظ نظام خانواده و اجتناب از جدایی دارد، آمارهای ارائه شده در سال های اخیر در کشور، پرده از واقعیت دیگری برمی دارد.

بخش اول: ماهیت قرارداد بیمه طلاق

مطالب مقاله حاضر عمدتاً با بیمه در ارتباط بوده و در بخشی از مطالب با تأمین اجتماعی، عجين می‌گردد که لازم است مفاهیم هر دو واژه روشن گردد. هم‌چنین از آنجا که بیمه‌ی طلاق بر مبنای وقوع طلاق استوار است، از این رو باید مفهوم طلاق نیز، در کنار مفاهیم بیمه و تأمین اجتماعی مطالعه شود. از این رو، در این مبحث، ذیل گفتار اول، از مفاهیم بیمه، تأمین اجتماعی و طلاق و در ذیل گفتار دوم، از طرف‌های دخیل در قرارداد بیمه و هم‌چنین از شرایط قرارداد بیمه، و در ذیل گفتار سوم، از تحلیل اقسام بیمه، تأمین اجتماعی و طلاق سخن گفته خواهد شد. ضمن اینکه، بررسی موارد مرتبط با بیمه‌ی طلاق نیز مغفول نمانده و در ذیل عمده‌ی مباحث، از آنچه که دخیل در بیمه‌ی طلاق است نیز، سخن گفته شده است.

بند اول: مفاهیم بیمه، تأمین اجتماعی، طلاق و زنان بی‌سرپرست

اگرچه واژگان بیمه و تأمین اجتماعی به یکدیگر نزدیک بوده و از هر دو به عنوان پشتوانه‌های مالی اطمینان‌بخش در شرایط خاص خودشان، یاد می‌گردد اما میان این دو نهاد حقوقی تمایز وجود دارد که در دو بند ذیل در قالب تعاریفی که از آنها ارائه شده است این تمایزات قابل کشف است.

الف: مفهوم بیمه

«بیمه» یک واژه‌ی حقوقی - فارسی است و مفهوم آن امری کاملاً ناشناخته و نامأنوس نیست لیکن در معنای آن نمی‌توان به یقین سخن واحدی بر زبان راند. برای آشنایی و درک دقیق‌تر کلمه‌ی «بیمه»، لازم است این واژه در لغت و در کلام مقنن مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که واژه‌ی بیمه، در معنای قانونی به درستی تعریف نگردیده و دارای

نقص‌ها و کمبودهایی است؛ با ذکر کاستی‌های تعریف قانونی، تعریف حقوقی صحیح از آن، بیان خواهد شد. واژه‌ی بیمه در زبان انگلیسی «Insurance»، در زبان فرانسه «Assurance» و در زبان عربی «التأمين» نامیده می‌شود.^۱ نسبت به اصالت کلمه‌ی بیمه، میان لغت‌شناسان و حقوقدانان اختلاف نظر است؛ آن چنان که به یقین نمی‌توان به معنای حتمی این واژه دست یافت. بنا بر اعتقاد عدّه‌ای ریشه‌ی بیمه از واژه‌ی «Bima» «بیمه» که در زبان هندی و احتمالاً در زبان سانسکریت رواج داشته، اخذ شده است.^۲ برخی نیز معتقدند واژه‌های انگلیسی و فرانسوی کلمه‌ی بیمه از ریشه‌ی لاتین «Securus» که به معنای اطمینان است، اخذ شده است.^۳ عدّه‌ای نیز بر این اعتقادند که، «بیمه» کلمه‌ای فارسی است و ریشه‌ی اصلی آن «بیم» است زیرا دلیل اصلی انعقاد قرارداد بیمه، ترس و بیم وقوع حادثه‌ی احتمالی و اجتناب از مبتلاء شدن به آن بوده است که بیمه‌گر و بیمه‌گزار^۴ را به سمت انعقاد قرارداد بیمه سوق داده است لذا واژه‌ی «بیمه» دارای هیچ‌گونه ریشه‌ی خارجی نیست، ضمن اینکه این واژه در هیچ‌یک از فرهنگ‌های غیر ایرانی نیز، دیده نمی‌شود.^۵ در

^۱ - جعفر معزی، حقوق بیمه، (تهران، دانش پرور، ۱۳۸۸)، ص ۲۸.

^۲ - محمد معین، فرهنگ فارسی (متوسط)، جلد سوم، (تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰)، ص ۶۳۳.

^۳ - محمد جهانشاهی، «بیمه از نظر حقوق مدنی»، (فصلنامه کانون وکلا، دوره اول، شماره ۴۲، خرداد و تیر ۱۳۳۴، صص ۹۳ - ۹۶)، ص ۹۳.

^۴ - لفظ «گذاشتن» به معنای «نهادن، قراردادن، وضع کردن، بر جای نهادن»، «عبور دادن، عبور کردن، سپری کردن، نهادن، وضع کردن، باقی گذاشتن، ترک کردن و ...» و «نهادن، وضع» آمده است (علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، جلد دوازدهم، (تهران، ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ص ۱۸۹۸۴؛ محمد معین، پیشین، ص ۳۲۰۵ و ۳۲۰۶؛ سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف (دائرة المعارف جامع اسلامی)، جلد هشتم، (بی‌جا، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۷۹)، ص ۶۴۵). برای لفظ «گزاردن» معانی «ادا کردن، انجام دادن، بجا آوردن» و «انجام دادن، بجا آوردن، پرداختن، تأدیه کردن، بیان کردن، اظهار کردن، صرف کردن، خرج کردن و ...» آمده است (علی اکبر دهخدا، پیشین، ص ۱۹۱۳۴؛ محمد معین، پیشین، ص ۳۳۰۱ و ۳۳۰۲؛ سید مصطفی حسینی دشتی، پیشین، ص ۶۶۳). «بیمه‌گزار» شخصی است که عملی را انجام می‌دهد که آن عقد قرارداد بیمه با بیمه‌گر

است یا حق بیمه را به بیمه‌گر پرداخت می‌نماید بنابراین باید با حرف «ز» نوشته شود، «بیمه‌گزار» بیمه را در جایی نمی‌گذارد یا مانند قانونگذار قانونی را وضع نمی‌کند لذا نوشتن آن با حرف «ذ» اشتباه است.

^۵ - آیت کریمی، پیشین، ص ۳۴؛ محمد جهانشاهی، پیشین، ص ۹۳.

ماده‌ی ۱ قانون بیمه‌ی ایران مصوب سال ۱۳۱۶، قرارداد بیمه چنین تعریف شده است: «عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازاء پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده و یا وجه معینی بپردازد...». در حقوق کامن‌لو واژه‌ی بیمه (Insurance) چنین تعریف شده است: «قراردادی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند که ضرر، خسارت یا مسئولیت ناشی از یک اتفاق نامعلوم یا محتمل‌الوقوع را جبران کند و فقط نسبت به برخی (اتفاقات) فعلی یا احتمالی که در آینده اتفاق می‌افتد، قابل اعمال است».^۱ ماده‌ی ۷۴۷ قانون مصر نیز، بیمه را چنین تعریف نموده است: «بیمه قراردادی است که به مقتضای آن، بیمه‌گر ملتزم می‌شود مبلغی را یک‌جا یا به صورت پرداخت تدریجی منظم یا هر نوع عوض دیگری در صورت وقوع حادثه یا تحقق خطری که در قرارداد بیان شده، به بیمه‌گزار یا شخص دیگری که بر اساس قرارداد ذینفع است، بپردازد. این التزام در مقابل تعهد مشابهی است که بیمه‌گزار، مالی را به صورت اقساط یا یک‌جا به بیمه‌گر پرداخت می‌نماید».^۲ جامع‌ترین تعریف حقوقی که می‌توان برای قرارداد بیمه ارائه داد، این است که گفته شود؛ بیمه قراردادی است که به موجب آن بیمه‌گر پوشش بیمه‌ای ایجاد می‌کند تا در مقابل پرداخت وجه یا وجوهی از سوی شخص دیگر (اعم از بیمه‌گزار یا شخص ثالث)، در صورت وقوع حادثه یا خطر، بیمه‌گر خسارات شخص یا اشخاص ثالثی که به عنوان ذینفع بیمه شناخته می‌شوند را، به صورت یک‌جا یا به شکل اقساط، جبران نموده یا وجه معینی را با وقوع یک رویداد یا گذشت زمانی خاص، به آنان بپردازد.

^۱ - Henry Campbell Black, Black's Law Dictionary, (Fourth Edition, 1968, West Publishing Co), p 943.

^۲ - عبدالرزاق سنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ج ۲، جزء ۷، (بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۶۴ ق)، ص ۱۰۸۵.

ب: مفهوم تأمین اجتماعی

«تأمین اجتماعی»^۱ متشکل از دو واژه‌ی «تأمین» و «اجتماعی» است. واژه‌ی تأمین دارای معنای بسیار نزدیک و شاید کاملاً شبیه با واژه‌ی بیمه باشد و منظور از آن ایجاد امنیت در برابر حوادث و خطرات خاص و معینی است. واژه‌ی اجتماعی نیز، متشکل از روابط مستمر و روزمره‌ی افراد جامعه‌ی انسانی در سطح مکانی و زمانی معین است که آنها را در کنار یکدیگر به شکل یک اجتماع قرار داده است. در ماده‌ی ۲۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸/۱۲/۱۰م مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تأمین اجتماعی از حقوق بشر محسوب و مقرر شده است: «هر کس باید از حق داشتن تأمین اجتماعی در صورت بیماری، بیکاری، از کار افتادگی، از دست دادن سرپرست خانوار، پیری و دیگر مواردی که به عللی خارج از اختیار خود، وسایل امرار معاش را از دست داده باشد، برخوردار گردد». اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی، در تعریف تأمین اجتماعی بیان داشته است: «مجموعه کوشش‌ها و فعالیت‌های انجام‌شده توسط برخی از سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی به منظور رسیدن به رفاه اجتماعی».^۲ در اصل ۲۹ ق.ا که مقرر شده است: «برخورداري از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند»، تعریف کاملی از تأمین

اجتماعی آمده است.^۱ بدین ترتیب، تأمین اجتماعی (در معنای عام)، به دنبال حمایت از اقشار کم‌درآمدی است که در اخذ حقوق خود از توانایی‌های لازم و کافی برخوردار نیستند، در حقیقت؛ در صورت بروز معضلاتی در وضعیت معیشتی یا کسب درآمد افراد، بنا به عللی مانند بیماری، بی‌سرپرستی، سالمندی و ...، نهادی به نام تأمین اجتماعی وظیفه‌ی حمایت از این افراد را بر عهده دارد.^۲ براساس نظام تأمین اجتماعی، گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه که به دلیل ناتوانی در کسب درآمد، مشمول نظام بیمه‌ای نیستند تحت حمایت دولت قرار می‌گیرند.^۳ به طور کلی، موضوع اصلی تأمین اجتماعی، مقابله با آثار و نتایج چهار نوع رنج اجتماعی مشترک و تاریخی بشر یعنی؛ بیکاری، بیماری، فقر و بی‌قدرتی است.^۴ بدین ترتیب تأمین اجتماعی، مقوله‌ی پیشگیری برای تمام افراد مشمول را نیز، در بر می‌گیرد. بنابراین هدف اصلی و اساسی تأمین اجتماعی پیشگیری از ورود زیان یا جبران آثار زیانبار خطرات مختلفی است که وضعیت اقتصادی افراد (اعم از کارگر و غیر کارگر) را دگرگون می‌سازد و حمایت‌های خود را از طریق بیمه یا به صورت غیر بیمه‌ای اعمال می‌نماید. در حقیقت؛ تأمین اجتماعی، به منزله‌ی چتر حمایتی از تمام اقشار جامعه عمل می‌کند که بنا به هر دلیلی، در معرض آسیب‌های اقتصادی ایجاد شده قرار گرفته و نیازمند حمایت از سوی دولت هستند. منظور از نظام حقوق تأمین اجتماعی نیز مجموعه‌ی قوانین و مقررات متعددی کشوری است که در رابطه با تأمین اجتماعی وجود دارد.^۵

۱- سید عزت‌اله عراقی و همکاران، درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی (نقد قانون تأمین اجتماعی ایران براساس مطالعه تطبیقی)، (تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۶)، ص ۶۲.

۲- علی فیض‌زاده و سعید مدنی قهفرخی، پیشین، ص ۶۴.

۳- ناهید اعتضادپور و فهیمه رجی‌راد، پیشین، ص ۳۲.

۴- محمد جواد زاهدی مازندرانی، «ظهور و افول رفاه»، (فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۹، صص ۱۲۹ - ۱۶۶)، ص ۱۴۷.

۵- مهدی طالب، پیشین، ص ۵۰.

بند دوم: مفهوم طلاق

واژه‌ی طلاق از نظر لغوی در این معانی: «جدا شدن زن از شوهر، رها شدن از قید نکاح رهایی از قید زناشویی»^۱، «گشودن گره و رها کردن»^۲ به کار رفته است.

طلاق در قانون تعریف نشده است اما به کرات در مواد قانونی از آن یاد شده است. به عنوان مثال در ماده‌ی ۱۱۲۰ ق.م.آ آمده است: «عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود». از ماده‌ی ۱۱۳۳ ق.م. به بعد نیز قانونگذار صرفاً راجع به شرایط و نحوه‌ی تحقق طلاق سخن گفته است و تعریفی از این واژه ارائه نداده است. طلاق این گونه تعریف شده است: «إِزَالَةُ قَيْدِ النِّكَاحِ بِصِيغَةٍ «طالِق» و شبهها»^۳. «ازالۀ رابطه‌ی زوجیت در عقد دوام، به صیغۀ خاص با حضور عدلین که موضوعیت دارد»^۴. این تعاریف بیشتر ناظر بر قطع رابطه‌ی زوجیت دائم است لیکن طلاق عبارت است از عمل حقوقی یک طرفه و ایقاعی از سوی زوج، که رابطه‌ی زوجیت را منتفی می‌سازد.

بند سوم: مفهوم زنان بی سرپرست

در تعریف زن سرپرست خانوار آمده است: «به فردی اطلاق می‌شود که مسئولیت تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانواده خود را به طور دائم یا موقت عهده‌دار است» و در تعریف زن خودسرپرست بیان شده است: «به فردی اطلاق می‌شود که مسئولیت تأمین هزینه‌های زندگی و امور معنوی خود را به طور مستقل عهده‌دار است»^۵. آمده است. با مبنا قرار دادن تعاریفی که وزارت رفاه و تأمین اجتماعی ارائه داده است می‌توان گفت، تمامی

^۱ - حسن عمید، پیشین، ص ۷۴۴.

^۲ - سید حسین صفایی و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده، (تهران، نشر میزان، آبان ۱۳۸۶)، ص ۲۰۱.

^۳ - محمد حسن نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۲، (بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق)، ص ۲.

^۴ - محمد جعفر جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۴۷۴؛ سید مصطفی محقق داماد، تحلیل فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن،

(تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، پائیز ۱۳۸۶)، ص ۳۸۰.

^۵ - وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، «طرح جامع توانمندسازی زنان خود سرپرست و سرپرست خانوار»، (هفته‌نامه برنامه، شماره ۱۹۷،

دی ۱۳۸۵، صص ۲۵-۲۸)، ص ۲۵.

زنان مطلقه تحت سرپرستی خود یا دیگری هستند چون ممکن است بعد از طلاق به تنهایی یا نزد خانواده‌ی پدر خود یا غیر، زندگی نمایند لکن به نظر نمی‌رسد واژه‌ی زنان بی‌سرپرست صحیح باشد چه آنکه شخص زنده یا تحت سرپرستی خودش است یا تحت سرپرستی دیگری اما هیچ‌گاه بی‌سرپرست نیست بنابراین به کار بردن واژه‌ی زنان بی‌سرپرست، اشتباهی است که به کرات توسط قانونگذار در مواد قانونی متعددی که در مباحث آتی بیان خواهد شد، به کار رفته و تکرار شده است. زنان مطلقه نیز، ممکن است جزء زنان خود سرپرست یا سرپرست خانوار قرار گیرند یا ممکن است جزء آنها قرار نگیرند که برخی به اشتباه اصطلاح «زنان سرپرست خانوار» یا «زنان خود سرپرست» را متضمن زنان مطلقه نیز دانسته‌اند.^۱ لذا می‌توان گفت، زنان مطلقه یا تحت سرپرستی خود هستند که تحت عنوان زنان خود سرپرست یا زنان سرپرست خانوار شناخته می‌شوند یا تحت سرپرستی غیر هستند لذا هرگاه قانونگذار واژه‌ی زنان بی‌سرپرست را به کار برده باشد به نظر می‌رسد با توجه به گفته‌های پیشین، زنان مطلقه را نیز شامل می‌گردد.

بخش دوم: پیشینه و ماهیت بیمه‌ی طلاق

پیشینه‌ی هر پدیده‌ای نشان‌دهنده‌ی علل، نحوه‌ی پیدایش و سیر تکامل آن پدیده بوده و موجب شناسایی اهمیت، ارزش و محتوای آن است، به همین سبب لازم است پیش از ورود در مباحث فنی حقوقی، حدود موضوع از نظر تاریخی مطالعه گردد. بررسی ماهیت هر پدیده‌ای برای اخذ آثار و تبعات حاکم بر آن دسته، نیز موجب حرکت به سمت کشف ماهیت بیمه‌ی طلاق می‌گردد. در مبحث پیش‌رو، پیشینه‌ی بیمه‌های طلاق در گفتار اول و ماهیت آن در گفتار دوم مورد مطالعه خواهد بود. بیمه‌ی طلاق، به عنوان نهاد حقوقی نوظهور، دارای قدمت چندانی نبوده و در سال‌های اخیر مطرح شده و به عرصه‌ی فعالیت‌های بیمه‌ای عرضه شده است. ظهور بیمه‌ی طلاق، در جهان ابداع و سپس در ایران

^۱ - زهره خسروی، «بررسی آسیب‌های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانواده»، (فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، سال یازدهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۸۰، صص ۷۱-۹۳)، ص ۷۵.

مطرح شده است. از این رو، پیشینه‌ی بیمه‌ی طلاق، در جهان و ایران در قالب دو بند، مورد بررسی خواهد بود.

بند اول: در جهان

در رابطه با بیمه‌ی طلاق گفته می‌شود ریشه‌ی آن به زمان ظهور و آغاز بسیاری از بیمه‌ها به ویژه بیمه‌های اشخاص، یعنی دوران انقلاب و سلطنت ملکه الیزابت اول، که در قرن شانزدهم میلادی (۱۵۵۸ - ۱۶۰۳) بوده است، برمی‌گردد^۱، ولی این نوع بیمه برای اولین بار توسط «جان لوگان»^۲ در سال ۲۰۰۵ م مطرح شده است.^۳ شرکت «SAFEGUARD» نخستین شرکتی است که اقدام به بسط و توسعه‌ی این نوع بیمه نموده است^۴ زیرا برای اولین بار بیمه‌نامه‌ی طلاق را تحت عنوان «بیمه‌نامه‌ی طلاق زناشویی»^۵ تدوین و تدارک دیده است.^۶

بند دوم: در ایران

در کشور ایران عنوان «بیمه‌ی طلاق» برای اولین بار در سال ۱۳۸۴ توسط کارشناسان اجتماعی^۷ و در سال ۱۳۸۷ توسط شرکت سهامی بیمه ایران مطرح و پیگیری شده است.^۱

^۱- Site: SAFEGUARD, "Shifting a Societal Paradigm", Op.cit.^۲ Site: Hindustantimes, "If marriage makes you stupid, why get married?", Op.cit.

^۲- John A. Logan

^۳- Site: Divorce insurance, "History", (Available at:

<http://en.wikipedia.org/wiki/Divorce_insurance>, Last visited: 25/8/2013).

^۴- Site: SAFEGUARD, (Available at: <<http://wedlockdivorceinsurance.com>>, Last Visited: 18/8/2013).

^۵- WedLock Divorce Insurancesm

^۶- Site: SAFEGUARD, "Shifting a Societal Paradigm", Op.cit.

^۷- سایت ایران صدا، «آیا شما با بیمه طلاق موافقت می‌کنید؟»، (قابل دسترسی در:

<<http://www.iranseda.ir/old/showFullItem/?r=۲۳۴۶۹۹>>، تاریخ درج: ۱۳۸۷/۱۱/۳۰، تاریخ رجوع:

۱۳۹۲/۶/۳۰). گفته می‌شود برای نخستین بار طرح بیمه‌ی طلاق از سوی مصطفی اقلیما مطرح شده است (سید محمد صادق طباطبایی و عاطفه محمدزاده یزد، «بررسی انواع بیمه‌های حمایتی خانواده، (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، سال ششم، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۶۵ - ۸۳)، صص ۷۸ و ۸۲).

این طرح در استان‌های مشهد، گلستان و سمنان به طور آزمایشی در هنگام ثبت عقد ازدواج به موقع اجراء درآمده است، اما اجرای آن پیگیر و ممتد نبوده و در حال حاضر به فراموشی سپرده شده است.^۲ روال عادی در تدوین و شکل‌گیری قراردادهای بیمه‌ای نوظهور بدین شکل است که، بیمه‌ی مرکزی، فهرست گونه‌ها و انواع بیمه‌هایی که ضوابط فنی و تخصصی آنها، به عنوان رشته‌های بیمه‌ای مجاز تعیین شده است را، در قالب مصوبه‌های شورای عالی بیمه، پیش‌بینی و اعلام می‌کند. بیمه‌ی طلاق به عنوان پدیده‌ای نوظهور، نوع خاصی از قرارداد بیمه است که هنوز در نه در قانون و نه در فهرست قراردادهای بیمه‌ای پذیرفته شده در بیمه‌ی مرکزی ایران، قرار نگرفته است.

بند سوم: ماهیت بیمه‌ی طلاق

هر قرارداد بیمه‌ای، پس از انعقاد و اعتبار آن، غالباً بی‌اختیار در زمره‌ی گروه‌های خاصی قرار گرفته و رنگ و لعاب آن دسته را به خود می‌گیرد. بی‌گمان برای یافتن این دسته، هر قرارداد نوظهوری باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین باید به این سؤال پاسخ داده شود که قرارداد بیمه‌ی طلاق، جزء کدام دسته از بیمه‌ها قرار گرفته و دارای چه ماهیت حقوقی است؟

در پاسخ می‌توان گفت؛ نوع و ماهیت حقوقی بیمه‌ی مزبور، کاملاً مغایر و یا کاملاً شبیه با سایر قراردادهای بیمه‌ای نیست. بیمه‌ی طلاق کاملاً بی‌شبهت با بیمه‌های اشخاص نیست و از برخی اصول و ویژگی‌های این نوع قراردادها پیروی می‌کند که می‌توان به این موارد اشاره نمود:

^۱ - اشرف گرامی زادگان، «بیمه طلاق، راهی برای کاهش آسیب‌های بعد از طلاق»، (ماهنامه پیام زن، سال هجدهم، شماره ۷) (پیاپی ۲۱۱)، مهر ۱۳۸۸، صص ۴۴ - ۴۹، ص ۴۸.

^۲ - همان، ص ۴۴؛ سایت ایران صدا، پیشین؛ سایت خبرگزاری تقریب، «اجرای بیمه طلاق منتفی شد»، (قابل دسترسی در: <http://www.taghribnews.com/vdcd.x0sryt0kxa26y.html>)، تاریخ درج: ۱۳۸۸/۱/۱۹، تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۷/۱۴؛ سایت تحلیلی خبری عصر ایران، «اجرای بیمه طلاق منتفی شد»، (قابل دسترسی در: <http://www.asriran.com/fa/news/69107>)، تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۵/۱.

اولاً در بیمه‌ی طلاق محور اصلی و اساسی بر روی شخص انسان است نه بر روی اشیاء یا اعتبار و ... که ویژگی اصلی بیمه‌ی اشخاص است. ثانیاً با وقوع حادثه یا خطر خاص (طلاق)، بیمه‌گر ملزم به پرداخت مبلغ مقطوعی است که پیشتر مابین بیمه‌گر و بیمه‌گذار تعیین شده است و ورود یا عدم ورود خسارت یا میزان آن مدّ نظر نیست یعنی مبلغ پرداختی از سوی بیمه‌گر جنبه‌ی جبران خسارتی ندارد لذا از این حیث نیز بیمه‌ی طلاق با بیمه‌ی اشخاص انطباق دارد. ثالثاً در بیمه‌های طلاق بیمه‌گر نمی‌تواند به جانشینی بیمه‌گذار به خاطی یا مقصر حادثه مثلاً اگر شوهر باشد رجوع نماید زیرا بی‌معنی است که بیمه‌گر با وقوع طلاق به شوهر رجوع کند لذا بیمه‌های طلاق نیز از اصل غرامت پیروی نمی‌کنند. رابعاً به نظر نمی‌رسد اگر خود زوج‌ه‌ی مطلقه نزد چند شرکت بیمه بتواند قرارداد بیمه‌ی طلاق منعقد سازد و خود نیز متعهد به پرداخت حق بیمه آنها گردد، اشکالی وجود داشته باشد اما اگر شوهر ملزم به پرداخت حق بیمه به بیمه‌گر باشد یا از سوی دولت پشتیبانی مالی صورت گیرد، زوج‌ه می‌تواند فقط از یک قرارداد بیمه‌ی طلاق استفاده نماید. بیمه‌ی اشخاص به طور کلی در سه دسته‌ی؛ بیمه‌های عمر، بیمه‌های بیماری، بیمه‌های حوادث ارائه شده است. به نظر نمی‌رسد بیمه‌ی طلاق بتواند دقیقاً مطابق با یکی از آنها باشد زیرا در بیمه‌های عمر که خود دارای اقسام متعددی است سه دسته‌ی کلی وجود دارد که، پرداخت سرمایه توسط بیمه‌گر، یا منوط به فوت بیمه‌شده در مدّت تعیین شده در قرارداد است (بیمه عمر به شرط فوت) یا منوط به گذشت مدّت زمان خاص و زنده ماندن بیمه‌شده است (بیمه عمر به شرط حیات) یا وابسته به وقوع هر یک از آنها، در یک مدّت معین باشد (بیمه مختلط عمر). سایر بیمه‌های عمر نیز از انشعابات فرعی سه قسم مزبور است؛ در حالی که وقوع طلاق منوط به مرگ یا حیات بیمه‌شده نیست اگرچه حیات بیمه‌شده نیز، برای اجرای بیمه‌ی طلاق ضروری است. هرچند بیمه‌ی طلاق علی‌الظاهر

ممکن است شبیه بیمه‌های عمر باشد مثلاً نوعی بیمه عمر در صورت حیات باشد که مشروط به وقوع طلاق است اما دقیقاً نمی‌توان آن را در قالب یکی از بیمه‌های عمر گنجانده و تطبیق نمود زیرا نه مانند بیمه عمر به شرط فوت، تحقق تعهد از سوی بیمه‌گر منوط به فوت بیمه‌شده است و نه مانند بیمه عمر در صورت حیات، زنده ماندن بیمه‌شده در یک مدّت معین ملاک برای ایفاء تعهد از سوی بیمه‌گر است و نه مانند بیمه عمر مختلط وقوع فوت یا زنده ماندن بیمه‌شده در یک مدّت معین مدّ نظر است بلکه آنچه که باعث تحقق تعهد بیمه‌گر است وقوع طلاق است و فوت یا زنده ماندن بیمه‌شده در مدت خاص ملاک اصلی را در قرارداد بیمه بازی نمی‌کند. اگرچه زنده ماندن بیمه‌شده از ملزومات تحقق یک طلاق است لیکن ملاک اصلی در این نوع بیمه، وقوع عمل حقوقی طلاق است که منجر به محقق شدن مفاد قرارداد بیمه می‌گردد. بیمه‌های درمان نیز بر مبنای بیماری شخص بیمه‌شده و درمان او انعقاد یافته است. همچنین بیمه‌های حوادث بر محور حوادثی که بر آبدان افراد رخ داده و باعث ایجاد جراحت یا آسیب بدنی می‌گردند، دور می‌زنند و هیچ‌یک از آنها قالب مناسبی برای بیمه‌ی طلاق نیستند. بنابراین دور از ذهن نیست که اگر چنین بیمه‌ای رسمیت قانونی یابد، ظرف مرجّح برای قرار گرفتن، نهادن آن در کنار بیمه‌های سه‌گانه‌ی مزبور به عنوان زیرمجموعه‌های بیمه‌ی اشخاص باشد زیرا عمده‌ی ویژگی‌های بیمه‌های اشخاص می‌تواند از جمله ویژگی‌های بیمه‌ی طلاق نیز، قرار گیرد. هم‌چنین این احتمال قابل ارائه است که بیمه‌ی طلاق، یک نوع بیمه‌ی عمر در صورت حیات مشروط به طلاق تلقی گردد و اشکالی بر آن وجود ندارد.

بخش سوم: تحلیل بهره‌مندی از بیمه طلاق

مخالفت با اجرای بیمه‌ی طلاق، هیچ‌گاه به معنای طرد زنان مطلقه یا عدم حمایت مالی از آنان نیست بلکه مشکلاتی که ممکن است در مسیر اجرای بیمه‌ی طلاق بروز نماید موجب

ابراز مخالفت شده و چه بسا با اجراء چنین طرحی نیز مخالفتی وجود نداشته باشد اما به هر حال به علت ایرادهای مطرح شده از سوی آنان تحت عنوان مخالفین شناخته می‌شوند. ایراداتی که مطرح شده است در قالب سه بند تنظیم و مطالعه خواهد شد.

بند اول: افزایش نرخ طلاق و وقوع طلاق‌های صوری

یک وجه از مخالفت با بیمه‌ی طلاق این است که اجرای چنین طرحی، با تکیه بر پشتوانه‌ی مالی پس از طلاق، موجب ایجاد انگیزه یا افزایش تمایل زنان برای جدایی از همسران خود خواهد شد. هم‌چنین ممکن است زوجین با هدف استفاده از سرمایه بیمه، ازدواج‌های صوری انجام دهند که این اقدامات، موجب ضربه خوردن اخلاق اجتماعی و اعتماد عمومی خواهد شد.

الف: افزایش نرخ طلاق

طرح و اجرای این نوع بیمه، با امید بستن به حمایت مالی بیمه‌گر در زمان پس از طلاق، باعث تشدید طلاق و تحریک زوجین و به ویژه زنان برای جدایی خواهد شد^۱، به خصوص اینکه واژه‌ی بیمه‌ی طلاق، خود نیز مزید بر علت شده و آنان را برای سوق یافتن به طلاق، جری‌تر می‌سازد که این امر برخلاف اصول تحکیم خانواده است. هم‌چنین عنوان «بیمه‌ی طلاق» به دلیل بار منفی روحی و روانی که بر زندگی زوجین دارد ممکن است خود به نوعی بازدارندگی برای زوجین و به ویژه مردان در پذیرش این نوع بیمه مبدل گردد^۲. ولی باید توجه داشت که، اولاً طرد طرح بیمه‌ی طلاق به صرف این ادعا که ممکن است باعث

^۱- سید هادی معتمدی، (سایت هموطن سلام، پوران محمدی، «بیمه طلاق، طرحی که فراموش شد...»، قابل دسترسی در:

<<http://www.hamvatansalam.com/news129914.html>> ،

تاریخ درج: ۱۳۸۸/۲/۲، تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۷/۱۹؛ سایت خبرگزاری تقریب، پیشین.

^۲- بهرام بهرامی، (سایت هموطن سلام، پیشین).

ترویج طلاق گردد، غیر اصولی است زیرا نمی‌توان بنا را بر احتمالات و فرضیات گذاشته و چشم را بر روی واقعیت‌های تلخ فعلی جامعه بست. ثانیاً تحقق طلاق منوط به اراده‌ی مردان است نه زنان، بنابراین هرچند زنان تمایل به جدایی از همسران خود را داشته باشند، اما تا زمانی که دلایل موجهی مانند عسر و حرج، عدم پرداخت نفقه، عیوب موجب فسخ نکاح و ... وجود نداشته باشد، نمی‌توانند از همسران خود جدا شوند، به همین دلیل تمایل برای جدایی از سوی آنان نیز، باعث وقوع طلاق نخواهد شد. حتی در صورتی که بنا به دلایل قانونی مانند عدم پرداخت نفقه و عدم امکان اجبار زوج به پرداخت، وجود عسر و حرج و ...، زوج بتواند از شوهر خود طلاق بگیرد، با توجه به شرایط اعمال بیمه‌ی طلاق که در مباحث آتی بیان خواهد شد، تحت شمول بیمه‌ی طلاق قرار نگرفته و نمی‌تواند از حمایت مالی بیمه‌گر بهره‌مند گردد زیرا تقاضای طلاق نباید از سوی آنان صورت گرفته باشد. ثالثاً همین انتقادات در زمانی که قرار شد بیمه‌ی اجباری دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی اجرا گردد، مطرح شد، مبنی بر اینکه؛ از این پس رانندگان به راحتی و بدون تشویش خاطر باعث وقوع تصادفات خواهند شد زیرا مسئولیت مدنی آنان از پیش تضمین شده است، اما چنین اتفاقی هرگز رخ نداد.^۱ فراتر از آن، این است که حتی اگر بیمه‌های اجباری دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی از حالت اجباری خود خارج شوند نیز، باز هم مردم برای دوری از خطرات احتمالی آتی که ممکن است در صورت تصادف دچار آن شوند، بی‌تردید در سطح وسیعی اقدام به عقد قراردادهای بیمه‌ی شخص ثالث خواهند نمود لذا در بیمه‌های طلاق به ائتمان می‌توان گفت: اجرای این طرح موجب از هم پاشیده شدن خانواده‌ها نخواهد شد. همچنین هدف پیش‌گرفته در اجرای بیمه‌های اجباری مسئولیت مدنی رانندگان در اجرای بیمه‌های طلاق نیز می‌تواند مورد استناد قرار گیرد چه

^۱ - جواد سهامیان مقدم، (سایت هموطن سلام، پیشین).

آنکه اجرای اجباری بیمه های شخص ثالث با هدف زدودن یا کاهش آثار زیان بار اجتماعی ناشی از تصادفات (حبس رانندگان دارای ضعف مالی) پیش بینی شده است، وانگهی پیش بینی قراردادهای بیمه ی طلاق نیز، برای محو یا کاهش جرائم و مفاسدی است که توسط زنان مطلقه رخ داده و ریشه در فقر اقتصادی آنان دارد که می تواند با هدف از بین بردن آثار مخرب اجتماعی مورد حمایت قرار گیرد. در رابطه با عنوان نکوهیده ی «بیمه ی طلاق» نیز با حفظ محتوا می توان عنوان آن را تغییر داد زیرا لزوماً نیازی نیست که واژه ی بیمه ی طلاق به کار گرفته شود تا منجر به ترغیب زوجین به طلاق یا عدم پذیرش آن از سوی مردان، گردد لذا می توان از واژه های جایگزینی مانند «بیمه ی حمایت اقتصادی از زنان مطلقه»، «بیمه ی صیانت اقتصادی از زنان»^۱، «بیمه ی حمایت از زنان در حالت ویژه»، «حمایت از زنان در حال جدایی از همسر»^۲ و ... که دارای بار منفی روحی و روانی نیستند استفاده نمود.

ب: وقوع طلاق های صوری

یکی دیگر از وجوه مخالفت با بیمه ی طلاق این است که، اجرای چنین طرحی، ممکن است راه را برای سوءاستفاده برخی از افراد سودجو و فرصت طلب هموار سازد تا بدون هیچ قصد جدی، با انجام طلاق های صوری از مستمری بیمه ی طلاق استفاده کنند.^۳ در جواب می توان بیان داشت، اولاً نمی توان به صرف این که ممکن است عده ای از این طرح سوء استفاده کنند، اجرای بیمه ی طلاق را به طور کلی منتفی کرد زیرا هر طرح و نهادی

^۱- سید محمد صادق طباطبایی و عاطفه محمدزاده یزد، پیشین، ص ۸۰ جواد سهامیان مقدم، (سایت هموطن سلام، پیشین).

^۲- سایت جام جم، «طرح بیمه طلاق با هدف تامین اعتبار به مجلس می رود»، (قابل دسترسی در: <http://www1.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=۱۰۰۰۴۱۷۵۰۲۶>)، تاریخ درج: ۱۳۸۳/۶/۶، ۱۵

تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۵/۱۸.

^۳- بهرام بهرامی، (سایت هموطن سلام، پیشین).

ممکن است مورد سوءاستفاده یک عده‌ی خاص قرار گیرد. ثانیاً مبلغ پیش‌بینی شده برای پرداخت به زنان مطلقه، از میزان بالایی برخوردار نیست که موجب ایجاد انگیزه برای جدایی صوری زوجین از یکدیگر شود. ثالثاً در جامعه‌ی کنونی ایران، با توجه به زندگی سنتی، زنان به خوبی متوجه این نکته هستند که با طلاق صوری گرفتن از همسرانشان، امکان ازدواج مجدد برای شوهران بسیار افزایش خواهد یافت لذا بخاطر مستمری اندک پس از طلاق، هیچ‌گاه خود را در معرض جدایی قرار نمی‌دهند^۱ لذا می‌توان با آگاهی بخشیدن خطر این روش به زنان، از اقدام به چنین روشی مانع شد. رابعاً براساس منطق و روح ماده‌ی ۱۴ ق.ب که مقرر داشته است: «بیمه‌گر مسئول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه‌گذار یا نمایندگان او نخواهد بود»، می‌توان گفت؛ با اطلاع یافتن بیمه‌گر از صوری بودن طلاق، دارای چنین اختیاری است که زن مطلقه را از دریافت مبلغ بیمه‌شده محروم سازد زیرا صوری واقع نمودن طلاق، نوعی تجاوز از حدود متعارف است نسبت به حق بیمه‌گر، که از مصادیق تعدی تلقی می‌شود^۲ و بیمه‌گر می‌تواند اقدام به استرداد مبلغ پرداخت شده نماید. علاوه بر این، شرکت‌های بیمه می‌توانند از کارشناسان خبره‌ای که در دعاوی خانوادگی از مهارت و دانش کافی برخوردارند، استفاده کنند تا از وقوع صوری یا حقیقی بودن طلاق‌ها به راحتی اطلاع یابند.

بند دوم: عدم امکان اطلاع از ازدواج یا اشتغال زنان مطلقه

اشکال دیگر، در آگاهی نیافتن از عدم استحقاق زن مطلقه است زیرا او ممکن است اقدام به ازدواج مجدد نماید یا شغلی را برای خود برگزیند و با یکی از این دو روش، از

^۱ - جواد سهامیان مقدم، (سایت هموطن سلام، پیشین).

^۲ - براساس مواد ۹۵۳ ق.م: «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی» و ۹۵۱ ق.م: «تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری».

استحقاق پوشش بیمه‌ای خارج گردد، بدون این که اطلاعی از آنها وجود داشته باشد. در پاسخ می‌توان گفت؛ با ثبت اینترنتی مشخصات کامل همه زنان بیمه‌شده، شرکت‌های بیمه با کسب اجازه از سازمان ثبت احوال کشور می‌توانند از تمامی ازدواج‌ها و طلاق‌ها مطلع باشند. البته به نظر می‌رسد باید در هنگام انعقاد قراردادهای بیمه‌ی طلاق، از زوجه، برای آگاهی از طلاق و ازدواج مجدد او، کسب اجازه شده باشد و سازمان ثبت احوال کشور نیز با تکیه به وجود چنین اجازه‌ای بتواند به شرکت‌های بیمه مجوز آگاهی از وقوع طلاق‌ها و ازدواج‌های مجدد را بدهد. به عنوان مثال در کشور کانادا ثبت طلاق فقط از طریق دادگاه صورت می‌گیرد و بانک اطلاعاتی طلاق‌ها که در اختیار دادگاه‌ها می‌باشد به بانک اطلاعاتی آمارهای حیاتی (ثبت احوال کشور کانادا) لینک دارد به این معنا که تمامی طلاق‌ها که در دادگاه‌ها صورت می‌گیرد در مرکز ثبت پردازش طلاق در دپارتمان دادگستری کانادا به ثبت رسیده و نگهداری می‌شود و فایل‌های مربوط به آنها به صورت دوره‌ای به مرکز آمارهای حیاتی کانادا ارسال می‌گردد.^۱ در کشور ایران دادگاه‌ها صرفاً دستور طلاق یا اجازه‌ی طلاق را صادر می‌نمایند و اجرای صیغه‌ی طلاق با تحقق شرایط لازم، در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق صورت می‌گیرد. علی‌رغم الکترونیکی شدن ثبت دادخواست‌ها و شکایات در سال‌های اخیر^۲، وقوع ازدواج‌ها و طلاق‌ها برای دادگاه‌ها ارسال نمی‌گردد بلکه این سازمان ثبت احوال کشور است که از طریق دریافت اسناد مکتوب ثبت‌شده‌ی طلاق‌ها توسط دفاتر رسمی ازدواج و طلاق، از وقوع و تعداد طلاق‌ها مطلع می‌گردد. سازمان ثبت احوال کشور از سازمان‌های زیربط و تحت نظارت قوه‌ی

^۱ - سایت سازمان ثبت احوال کشور، «ثبت احوال کشور کانادا»، (قابل دسترسی در:

<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset/canada.pdf> <، تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۱/۱۵>، ۱۷ |

ص ۳۳ و ۳۴.

^۲ - آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی مصوب ۱۳۹۱/۳/۲۲: مواد ۵ و ۶.

قضائیه محسوب نمی‌گردد بنابراین دادگاه‌ها نمی‌توانند از تعداد دقیق وقوع طلاق‌ها مطلع گردند لذا شرکت‌های بیمه‌گر برای اطلاع از وقوع طلاق‌ها باید به سازمان ثبت احوال کشور مراجعه نمایند. منظور از اشتغال، استخدام دولتی یا خصوصی است که زن مطلقه از این طریق، مشمول قوانین استخدامی کشور می‌گردد. در این ارتباط، سیستم‌های ثبتی اداره‌های کار تا حدود زیادی مطلع از تعداد شاغلین استخدامی کشور هستند بنابراین شرکت‌های بیمه می‌توانند با کسب مجوز از زنان و همکاری با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و ادارات ذیربط، از اشتغال زنان مطلقه اطلاع یابند.

بند سوم: عدم استقبال از سوی مردان

همچنین اشکال شده است که، اجرای این طرح از سوی مردان با استقبال روبه‌رو نخواهد شد و حتی در صورت اجباری شدن، مردان از قبول آن شانه خالی خواهند نمود، پس چگونه می‌توان آن را اجرا نمود؟ برخی برای رفع این مشکل معتقدند؛ برای اجرای صحیح این بیمه، به جای آنکه مردان در عقدنامه ملزم به انعقاد قرارداد بیمه‌ی طلاق شوند، بهتر است ماهانه بخشی از مبلغ حقوق مردان متأهل شاغل که به صورت مالیات از سوی دولت اخذ می‌شود بدین منظور اختصاص داده شود و در صندوق ویژه‌ای که تهیه شده است، واریز گردد.^۱ البته این راه‌حل فقط مختص کارمندان دولتی بوده و نمی‌تواند تمام زنان مطلقه را شامل شود. همچنین می‌توان امتیازات ویژه‌ای برای خانواده‌هایی که حاضر به پذیرش اجرای چنین بیمه‌هایی می‌شوند، قائل شد تا بدین ترتیب رغبت و انگیزه‌ی مردان به پذیرش بیمه‌ی طلاق افزایش یابد.^۲ به هر حال، نظریات مخالف، نگران نحوه‌ی اجرای بیمه‌ی طلاق و حمایت از زنان مطلقه است و به اصل بیمه اعتراضی ندارد. اگرچه فی‌نفسه پیش‌بینی و تدارک راهکارهایی برای ممانعت از وقوع طلاق مطلوب است، اما بدیهی است

^۱ - سید هادی معتمدی، (سایت هموطن سلام، پیشین).

^۲ - بهرام بهرامی، همان.

وقوع طلاق همیشه ممانعت‌پذیر نیست چون نمی‌توان به طور مطلق مانع وقوع طلاق شد و چه بسا بعضاً برای خروج زوجه از یک زندگی غیر قابل تحمل، باید حمایت و جانبداری از او به عمل آید، به طوری که چنین جوازی در ماده‌ی ۱۱۳۰ ق.م.مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، اما این بدان معنا نیست که زنان مطلقه‌ی بی‌بضاعت به علت تقاضای طلاق از سر ناچاری، به حال خود رها شده و هیچ‌گونه حمایتی از آنها به عمل نیاید. با اجرای طرح بیمه‌ی طلاق اولین و بارزترین ثمره‌ای که قابل حصول است، این می‌باشد که شأن و منزلت یک زن به ویژه زنی که با جدا شدن از همسرش، بیش از گذشته نیازمند حمایت است، تا حدود زیادی حفظ می‌شود و در درجه بعد، با حمایت از اجرای بیمه‌ی طلاق، آسیب‌ها و تبعات منفی مبتنی بر علل اقتصادی پس از طلاق، کاسته شده و امکانات لازم برای تداوم یک زندگی متوسط و ایجاد یک حداقلی از امنیت اقتصادی و اجتماعی برای زنان مطلقه فراهم می‌گردد. اجرای بیمه‌ی طلاق دارای منافی است که برای زنان، فرزندان آنان، افراد جامعه و نهایتاً برای تمام جامعه، حاصل می‌گردد که اهمّ ثمرات اجرای بیمه‌ی طلاق در سه بند زوال آسیب‌های اجتماعی عارض بر زنان مطلقه، فرصت و توان کافی برای تربیت و رسیدگب به فرزندان و بهبود سلامت روانی و جسمی افراد جامعه، بررسی خواهد شد.

بخش چهارم: زوال آسیب‌های اجتماعی عارض بر زنان مطلقه

شرایط اقتصادی ناب‌سامان زنان مطلقه و فقر اقتصادی آنان، یقیناً موجب خواهد شد که آنها نیز مانند سایر اقشار جامعه به سوی ارتکاب بزه، اعتیاد و ... سوق یابند. وقوع جرائم، اعتیاد و خودکشی از مهم‌ترین عوامل ایجاد آسیب‌های اجتماعی است. بررسی نتایج به دست آمده از پژوهش‌های محققین، با رویکرد تحلیل ریشه‌ی اقتصادی آسیب‌های مزبور، بار دیگر موجب تأکید بر ضرورت حمایت مالی از زنان مطلقه می‌گردد. نکته‌ای که باید به آن دقت شود این است که، آمارهای ارائه شده (غالباً از طریق پرسشنامه و نظرسنجی)

مستقیماً مرتبط با زنان مطلقه نیست اما مبانی اقتصادی به دست آمده در بروز آسیب‌های اجتماعی، به طریق اولی مسئولی بر زنان مطلقه است.

الف: ریشه‌ی اقتصادی جرائم

با لحاظ مشکلات و مسائل زندگی به خصوص در زندگی شهرنشینان شهرهای بزرگ و عدم توجه به رفع معضلات خانواده‌های زن سرپرست ناشی از طلاق، این قشر از زنان می‌توانند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر جامعه وارد سازند. در برخی مواقع پیش آمده که تأمین معاش زندگی، زنانی از این دست را مجبور به رو آوردن به ارتکاب جرم می‌سازد به طوری که اکثر زنان خیابانی را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند.^۱ آمارهایی که مبین ریشه‌ی اقتصادی وقوع بسیاری از جرائم است اگرچه مستقیماً دخالت زنان را در جرائم نشان نمی‌دهد اما نشان‌دهنده‌ی این امر است که زنان مطلقه که دچار فقر و تندگدستی می‌گردند نیز مانند سایر اقشار جامعه در معرض ارتکاب جرائم قرار دارند. ریشه‌ی اصلی وقوع جرائم مالی، فقر و نیاز اقتصادی مرتکبین است، حتی از نظر برخی علت عمده‌ی جرائم ارتكابی، به علل اقتصادی برمی‌گردد.^۲ به عنوان نمونه می‌توان به برخی یافته‌های پژوهشی که در این رابطه با هدف بررسی ریشه‌ی اقتصادی جرائم صورت گرفته است، اشاره نمود. در پژوهشی که در مقطع زمانی یک ساله ۹۰ - ۱۳۹۱ از طریق بحث و گفتگوی غیر مستقیم از ۱۵۰ فرد بازداشت شده یا دارای سابقه محکومیت کیفری در شهر سرپل ذهاب که در سال ۸۹ - ۱۳۹۰ مرتکب جرم شده‌اند، به عمل آمده، این نتیجه حاصل شده

سرپرست زنان توانمندسازی حرفه‌ای در و فنی مهارتی - معاونت آموزش دفتر کاهش آسیب‌های اجتماعی، «نقش آموزشهای اجتماعی»، (تابستان ۱۳۹۰)، قابل دسترسی در: آسیب یک عنوان خانوار

<http://svr.iranvto.ir/uploads/130_605_Zanane%20Sarparast.pdf> ،

تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۴/۲۸، ص ۸

^۲ - محمد سریرافراز و سمیه سادات مکیان و فاطمه فهیمی‌فر، «پیش‌گیری از وقوع جرم و جنایت: بستر ساز برقراری جامعه ایمن»، در کتاب: برگزیده مجموعه مقالات دومین همایش جامعه ایمن شهر تهران، شهرام رفیعی‌فر (گردآورنده)، (تهران، مؤسسه نشر شهر، ۱۳۸۸، صص ۲۵۳ - ۲۶۴)، ص ۲۵۳ و ۲۵۴؛ حسین صادقی و وحید شقاقی شهری و حسین اصغرپور، «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران»، (مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، بهار ۱۳۸۴، صص ۶۳ - ۹۰)، ص ۶۳.

است که بین طبقه اجتماعی افراد و جرم، پیوستگی وجود دارد به نحوی که ارتکاب جرم در طبقات فقیر جامعه بیش از جرائم ارتكابی طبقات مرفه جامعه است. در آماری که از سوی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ارائه شده است، ۱۰/۴۸ درصد از جرائمی که زنان در سال ۱۳۸۰ مرتکب شده‌اند را جرائم اقتصادی و مالی تشکیل داده است.^۱ در تحقیقی دیگر، نتایج به دست آمده از اطلاعات استخراج شده از پرسش‌نامه‌های پر شده توسط زندانیان استان بوشهر، نشان می‌دهد که ۲۲/۴ درصد از آنان، مشکلات و تنگنای اقتصادی را عامل اصلی در ارتکاب جرم خود دانسته‌اند.^۲ براساس گزارش مرکز آمار و اطلاعات قوه قضائیه، بالاترین آمار جرائم مربوط به سرقت‌های تعزیری با ۴۶۹ هزار پرونده است که بدون شک مهم‌ترین عامل این سرقت‌ها توان مالی اندک در مرتکبین است.^۳ در پژوهشی که بر روی ۳۶۱ پرونده از سال‌های بین ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ و ۴۶ مورد که در سه ماهه‌ی اول سال ۱۳۸۶ که به مراکز بازپروی در استان اصفهان ارجاع شده بود، به دست آمده است که ۷۸/۳ درصد از دختران و زنانی که مرتکب روسپیگری شده‌اند، فقر مالی را عامل اصلی در گرایش به این عمل دانسته‌اند.^۴ در پژوهش دیگری، که با روش تحقیق پیمایشی (استفاده از پرسشنامه و مصاحبه) از یک نمونه‌ی تصادفی به تعداد ۱۲۵ نفر زندانی از جامعه‌ی آماری به تعداد ۳۴۰ نفر زندانی مرکزی شهر سمنان در محدوده‌ی زمانی فروردین تا شهریورماه سال ۱۳۸۹ که مرتکب جرائم مختلفی شده‌اند، صورت

^۱ - حمید جربانی، «بررسی آماری جرایم زنان ایران»، (مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۴، شماره ۷۲، زمستان ۱۳۸۹، صص ۹۱-۱۱۷)، ص ۱۰۹.

^۲ - اتوسا اسکندری، «بررسی عوامل مؤثر بر بروز آسیب‌های اجتماعی در استان بوشهر»، (ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دوم، شماره ۳۰، شهریور ۱۳۸۳، صص ۲۰-۲۳)، ص ۲۲.

^۳ - سایت تیترا آنلاین، «۱۰ جرم نخست کشور کدامند؟»، (قابل دسترسی در:

<http://titronline.ir/wdcd.x.kryt.9na26y.html?5629>، تاریخ درج: ۱۳۹۲/۱/۱۷، تاریخ ملاحظه: ۱۳۹۲/۵/۲).

^۴ - علی شاکری و سعید صادقی، «بررسی سبب‌شناسی گرایش زنان و دختران به آسیب‌های اجتماعی (روسیگری)»، در کتاب: آخرین یافته‌های پژوهشی دستگاه‌های اجرایی استان (ازمحل اعتبارات جزء یک بند چ تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۸۴، اصفهان، معاونت پشتیبانی و توسعه منابع انسانی استانداری اصفهان - دفتر آموزش و پژوهش - معاونت پژوهشی، پائیز ۱۳۸۷، قابل دسترسی در: <http://training.ostan-es.ir/portals/40/yaft.9.26.pdf>، صص ۱۶۳-۱۷۰)، صص ۱۶۴ و ۱۶۶.

گرفته؛ که ۹۵ درصد اطمینان حاصل شده است که کسب موقعیت بهتر، فقر و محدودیت‌های درآمدی بر وقوع جرم اثرگذار بوده است.^۱ آمار زندانیان نیز نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که جرایم مالی بیشترین تعداد زندانیان را تشکیل داده است.^۲ در پژوهشی دیگر که در استان قم به عمل آمده است، در جامعه‌ی آماری دو زندان «مرکزی» و «کانون اصلاح و تربیت»، ۶۹ درصد افراد زیر خط فقر قرار داشته‌اند و ۵۱/۳ درصد کمبود مالی والدینشان را عامل سرقت دانسته‌اند.^۳ از این آمارها به دست می‌آید که وضعیت اقتصادی نامطلوب بدون شک در وقوع جرائم افراد، تأثیر گذار است، بنابراین زنان مطلقه نیز به عنوان اقشار کم درآمد جامعه، در معرض جدی ارتکاب جرم قرار دارند.

ب: اعتیاد

با کمک آمارهای ارائه شده در رابطه با علل بروز اعتیاد، می‌توان به ریشه‌های اقتصادی ابتلاء آن دست یافت. در یک یافته‌ی پژوهشی صورت گرفته از میان ۵۰۰ نفر مورد بررسی در استان قم، به دست آمده است که ۲۴/۵ درصد از آنان، دارای وضعیت اقتصادی خوبی بوده و ۵۱ درصد تا حدودی از وضعیت مالی خوب و مناسبی برخوردار بوده و ۲۴/۵ درصد نیز وضعیت اقتصادی ضعیفی داشته و با مشکلات زیادی مواجه بوده‌اند. از میان همین مجموع ۵۰۰ نفره، ۵۳/۸ درصد معتاد بوده و ۴۶/۲ درصد مبتلاء به اعتیاد نبوده‌اند.^۴ در پژوهشی دیگر در همین استان، از میان ۵۳۴ نفر مبتلاء به اختلال وابستگی به مواد

^۱ - مجید مداح و ابراهیم خیرخواهان، تجزیه و تحلیل اثر انگیزه‌های اقتصادی در ارتکاب جرم (مطالعه موردی زندانیان شهر سمنان)، (فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۰۷ - ۱۳۰)، صص ۱۰۷، ۱۲۶ و ۱۲۷.

^۲ - روزنامه شرق، (سال نهم، شماره ۱۴۴۵، ۱۳۹۰/۱۰/۲۸)، ص ۳.

^۳ - محمد فولادی‌وند، «بررسی میزان و عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم (سال ۱۳۸۲)»، در کتاب: قم در یافته‌های پژوهشی، حسین معین‌آبادی (گردآورنده)، (قم، انتشارات اندیشه‌ی ماندگار، بهار ۱۳۸۵، صص ۲۳۵ - ۲۵۰)، صص ۲۳۹ و ۲۴۳.

^۴ - محمد معصومی و علی خون چمن، «بررسی میزان شیوع اعتیاد و علل آن در استان قم (سال ۱۳۸۳)»، در کتاب: قم در یافته‌های پژوهشی، حسین معین‌آبادی (گردآورنده)، (قم، انتشارات اندیشه‌ی ماندگار، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۹۹ - ۲۱۲)، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.

مخدر، بیش از ۳/۲ زیر خط فقر زندگی می کرده‌اند.^۱ همچنین افراد بیکار حدوداً دو برابر افراد شاغل در معرض اعتیاد قرار داشته‌اند^۲ لذا منطقی است که گفته شود: «هر چه جمعیت فقیر در جامعه بیشتر شود، بر جمعیت معتادان نیز افزوده خواهد شد».^۳

ج: خودکشی

ریشه‌ی اقتصادی خودکشی نیز با اتکاء بر آمارهای ارائه شده روشن می‌گردد. در پژوهشی که در استان قم به عمل آمده است در رابطه با تمام افرادی که در سال ۱۳۷۵ دست به خودکشی زده ولی موفق به این کار نشده‌اند نتایج حکایت از این داشته که زنان بیش از مردان اقدام به خودکشی نموده‌اند به طوری که ۶۰/۱ درصد از خودکشی‌های نافرجام مربوط به زنان بوده است.^۴ خودکشی به ویژه در مناطق دارای فرهنگ قبیله‌ای که زنان بنا به دلایل مالی، مورد خشونت واقع می‌شوند بیشتر به چشم می‌خورد. زنان مناطق دارای فرهنگ عشیره‌ای از یک سو به علت مردود و مذموم بودن امر طلاق، نمی‌توانند از شوهران خود جدا شده و خود را از زندگی مشقت‌بار رها سازند و از سوی دیگر عدم وجود هیچ‌گونه تأمین اقتصادی و غیرقابل تحمل بودن زندگی، آنان را ناچاراً را به سمت خودکشی سوق می‌دهد.^۵ در پژوهش انجام شده‌ی دیگری در رابطه با خودکشی که بر روی ۹۳ مورد، صورت گرفته است، به دست آمده است که فراوانی خودکشی در میان

^۱ - حسن بلند، «پیمایش اختلال وابستگی به مواد مخدر در استان قم (سال ۱۳۷۹)»، در کتاب: قم در یافته‌های پژوهشی، حسین معین‌آبادی (گردآورنده)، (قم، انتشارات اندیشه‌ی ماندگار، بهار ۱۳۸۵، صص ۲۱۳ - ۲۱۸)، ص ۲۱۵.

^۲ - محمد معصومی و علی خون‌چمن، پیشین، ص ۲۰۹.

^۳ - همان، ص ۲۰۷.

^۴ - احمد نیکزاد، «بررسی عوامل مؤثر در اقدام به خودکشی در استان قم (سال ۱۳۸۲)»، در کتاب: قم در یافته‌های پژوهشی، حسین معین‌آبادی (گردآورنده)، (قم، انتشارات اندیشه‌ی ماندگار، بهار ۱۳۸۵، صص ۲۷۱ - ۲۷۸)، ص ۲۷۵.

^۵ - بهناز موحدی، پیشین، ص ۶.

زنان بیش از مردان بوده است.^۱ در پژوهشی دیگر، نتایج حاصله نشان‌دهنده‌ی است که در فاصله‌ی زمانی ۶ ماه از ۲۰۷ مورد خودکشی که به بیمارستان ارجاع شده، ۶۹/۱ درصد از آنان را زنان تشکیل داده‌اند.^۲ در پژوهشی که در کشور عربستان طی دو سال بر روی کسانی که اقدام به خودکشی نموده‌اند انجام گرفته، به دست آمده است که ۸۰ درصد از این بیماران را جمعیت زنان تشکیل داده است.^۳ اگرچه آمارهای فوق مستقیماً مرتبط با زنان مطلقه نیست اما مسلماً گویای این واقعیت است که این قشر از زنان با توجه به برخورداری از وضعیت نامطلوب اقتصادی، حمایت‌های مختصر مالی از آنان و تشکیل درصد اندکی از جمعیت شاغلین کشور، به احتمال بسیار زیاد، جزء جمعیت فقیر جامعه قرار گرفته و زمینه‌های ارتکاب خودکشی در آنان پررنگ تر است.

بند اول: فرصت و توان کافی برای تربیت و رسیدگی به فرزندان

آسیب‌های ناشی از طلاق، نه تنها زنان را در بر گرفته و آنان را در معرض صدمه دیدن قرار می‌دهد بلکه دامن‌گیر فرزندان آنان نیز گشته و آنها را در معرض فساد قرار خواهد داد. زنان مطلقه باید به تنهایی علاوه بر سرپرستی خانواده، کسب درآمد و مدیریت اقتصادی، مواظبت از بچه‌ها و کارهای خانه را نیز بر عهده گیرند. از یک سو مسأله‌ی فقر اقتصادی این زنان با بالا رفتن تعداد افراد تحت تکفل، حادث‌تر گشته و فرزندان آنان را نیز،

^۱ - سعید بختیارپور و صدیقه قاسمی و زیلا حیدری کایدان، «بررسی فرا تحلیلی رابطه جنسیت و وضعیت تاهل با اقدام به خودکشی»، (فصلنامه یافته‌های نو در روان‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۹، صص ۷۹-۹۵)، صص ۷۹ و ۸۸.

^۲ - غلامرضا محمدی و اقدس سعادت، «بررسی همه‌گیرشناسی و علت شناسی اقدام به خودکشی و ارتباط آن با متغیرهای جمعیت‌شناسی در بین مراجعین اورژانس بیمارستان ۲۲ بهمن نیشابور در سال ۱۳۸۲»، (فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال ششم، شماره ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۱۱۷-۱۲۵)، ص ۱۱۷.

^۳ - Hamdan Al-Jahdali "and Others", "Pattern and risk factors for international drug overdose in Saudi Arabia", (The Canadian Journal of Psychiatry, Vol ۴۹, No ۵, May ۲۰۰۴), p ۳۳۱.

در وضعیت نامطلوبی قرار می‌دهد^۱ و از سوی دیگر بسیاری از این زنان به علت عدم وجود شرایط اقتصادی مناسب، ملزم به درگیری و صرف وقت زیادی جهت تأمین مایحتاج و معیشت اولیه‌ی خانواده بوده و فرصت کافی برای تربیت فرزندان خود نخواهند داشت لذا ناچاراً آنان را برای تربیت و رشد رها نموده یا به مراکز تربیتی و آموزشی خارج از خانواده تحویل می‌دهند. صاحب‌نظران اصطلاحاً این مشکل را «فقر زمانی»^۲ نامیده‌اند.^۳ قطعاً مدارس و مراکز نگهداری از کودکان مانند مهدکودک‌ها، نمی‌توانند تمامی وظایف تربیتی والدین را انجام داده و جای خالی آنها را تمام و کمال پر کنند، همین امر زمینه‌های ایجاد شکاف و جدایی بین فرزندان و مادران شده و فرزندان آنان را در معرض افزایش افت تحصیلی، انحراف و ارتکاب بزه در آینده، قرار می‌دهد به طوری که براساس یافته‌ی یک پژوهش، به دست آمده است که رها ساختن یا واگذار کردن کودکان به مراکز تربیتی جهت نگهداری، یکی از علل افزوده شدن تعداد معتادان در جامعه خواهد بود.^۴

بند دوم: بهبود سلامت روانی و جسمی افراد جامعه

سلامت و سعادت جامعه، در گرو سلامت روحی، روانی و جسمی افراد آن جامعه است. زنان مطلقه به عنوان اعضای جامعه در صورت ابتلاء به نابسامانی‌های اخلاقی، کج‌روی و انحرافات مذموم، دامن اعضاء دیگر جامعه را خواهند گرفت. این نگرانی زمانی شدت می‌یابد که آمارهای حاصل شده آن را ثابت می‌کند: براساس پژوهشی به دست آمده است

^۱- Sylvia LeRoy, "Welfare and Poverty: Family Matters", (Fraser Forum, New Zeland, March 2004, Available at: <http://nzinitiative.org.nz/site/nzbr/files/perspectives/perspectives-2004/issue47.pdf>), Last visited: 28/9/2013), p 1.

^۲- Time Poverty

^۳- سید محمد سید میرزایی و زهرا عبداللهی و خلیل کمربگی، «بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام)»، (فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۰، صص ۷۹-۱۰۸)، ص ۹۱.

^۴- محمد معصومی و علی خون چمن، پیشین، صص ۲۱۰ و ۲۱۲.

که ۴۱ درصد از زنان سرپرست خانوار که تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار دارند از سلامت جسمی برخوردار نیستند و ۳۱ درصد از کل این زنان در حد نامناسبی از نظر سلامت روانی قرار دارند، البته الزاماً ریشه‌ی بیماری‌های روانی و جسمی آنان در فقر مالی نیست اما شکی نیست نیاز اقتصادی از عمده‌ترین دلایل تن دادن به جرایم یا فسادهای غیر اخلاقی است که این عوارض را به دنبال دارد. اگر راهکاری مطمئن برای حمایت اقتصادی از زنان مطلقه پیش‌بینی نگردد بدون شک انحرافات بیش از پیش گریبان‌گیر آنان شده و ریشه و بنیان یک جامعه‌ی سالم را به عنوان حلقه‌ای از مجموعه‌ی افراد تشکیل‌دهنده‌ی آن، دچار ضعف و سستی خواهد نمود.

منابع و مآخذ

۱. اوپر، ژان لوک، بیمه عمر و سایر بیمه‌های اشخاص، ترجمه: جانعلی محمود صالحی، بی‌جا، بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۲.
۲. بابایی، ایرج، حقوق بیمه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۳.
۳. پناهی، بهرام، کارکردهای تأمین اجتماعی در ایران (ضرورت‌های برپایی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی)، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۵.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، تهران، مشعل آزادی، ۱۳۵۷.
۵. حکمت‌نیا، محمود، حقوق زن و خانواده، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۶. خامنه‌ای، سید محمد، بیمه در حقوق اسلام، بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اسفند ۱۳۵۹.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، جلد دوازدهم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۸. طالب، مهدی، تأمین اجتماعی، مشهد، دانشگاه امام رضا (ع)، ۱۳۷۵.
۹. عاملی، شمس‌الدین محمد بن مکی (شهید اول)، اللعه الدمشقیه، ترجمه: حمید مسجدسرای، تهران، خط سوّم، ۱۳۸۵.

۱۰. عراقی، سید عزت‌اله، و همکاران، درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی، درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی (نقد قانون تأمین اجتماعی ایران براساس مطالعه تطبیقی)، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۶.

۱۱. عرفانی، توفیق، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، تهران، سازمان انتشارات کیهان، زمستان ۱۳۷۱.

۱۲. عمرانی، حیدرقلی، مقدمه‌ای بر: بیمه‌های اجتماعی از دید توسعه اقتصادی - اجتماعی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.